

محمود ذکاوت (کارشناس ارشد تاریخ اسلام دانشگاه شیراز)

تأملی در مورد چگونگی شکل‌گیری حکومت ادریسیان

چکیده

حکومت ادریسیان به عنوان اولین حکومت شیعی در تاریخ جوامع اسلامی حائز اهمیت است. مقاله‌ی پیش رو با ترسیم گاه‌شماری سیاسی این دولت، به بخشی از روابط آل ادریس با دیگر حکومت‌های اسلامی می‌پردازد. هم‌بیشتر مقاله متوجه روند شکل‌گیری دولت ادریسیان است. نگارنده این امر را با توجه به دو عامل اصلی «علویان» و «بربرهای شمال آفریقا» که در شکل‌گیری این دولت نقش تعیین‌کننده‌ای داشتند، بررسی می‌کند.

واژگان کلیدی: ادریس، آل ادریس، شهید فخر، علویان، بربرها، مغرب

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

ادریس بن عبدالله از نوادگان حسن بن علی (ع) بود. وی در قیام علویان در حجاز به سال ۱۶۹ هجری شرکت کرد. بعد از این رخداد، ادریس به مصر و بعد از آن به سرزمین‌های غربی فرار کرد. او به کمک غلام خود (راشد) توانست با مخفی شدن در یک کاروان تجاری به مغرب برسد. و با دعوت قبایل مختلف بربر، زمینه‌های اتحاد آن‌ها و تشکیل حکومت خود را ایجاد کند. (یعقوبی، ۱۳۸۲، ج ۲: ۴۰۷؛ طبری، ۱۳۸۸، ج ۸، ۱۹۸؛ ابن خلدون، ۱۳۸۵، ج ۱: ۴۲؛ ابن خلدون، ۱۳۷۰، ج ۳، ۱۵؛ مسعودی، ۱۳۷۰، ج ۲: ۳۳۲) آل ادریس از سال (۱۷۲ تا ۳۷۵ ه.ق) در مغرب اقصی (مراکش و بخشی از الجزایر کنونی) حکومت داشتند. دو قرن دوام این حکومت، فرمان‌روایان این سلسله را به دو طبقه تقسیم کرد. طبقه نخست از ادریس اول تا پایان دولت یحیی چهارم، که این گروه به استقلال حکمرانی کردند. طبقه دوم اما زیر نفوذ فاطمیان و امویان اندلس به حیات خود ادامه دادند، که شامل حکومت حسن حجام تا دولت حسن بن قاسم می‌شود. (دایره المعارف اسلامی، ۱۳۶۹: ذیل آل ادریس)

اهمیت مطالعه این دولت وقتی مشخص می‌شود که بدانیم دولت ادریسیان نخستین دولت شیعی در تاریخ اسلام و نخستین دولت اسلامی مراکش است. (لاپیدوس، ۱۳۸۱: ۵۲۸) همچنین این حکومت توانست نقش بسزایی در گسترش اسلام به نواحی غربی داشته باشد. در ادامه، مرادوات و روابط دولت ادریس با امویان اندلس، اغالبه و فاطمیان نیز می‌تواند مورد توجه باشد. شهر فاس که به عنوان یکی از شهرهای بزرگ تمدن اسلامی خودنمایی می‌کند، در دوره ادریس دوم رونق گرفت. در ادامه ایجاد طبقه‌ای سنتی در قلمرو اسلامی تحت عنوان شرفا، ریشه در این حکومت دارد. شرفا خود را منسوب به اهل بیت پیامبر (ص) دانسته و در طول زمان تبدیل به طبقه‌ای اجتماعی و تأثیرگذار در تاریخ جوامع اسلامی شدند. به توجه به مطالب فوق بررسی و مطالعه‌ی حکومت ادریسیان اهمیت پیدا می‌کند.

در این مقاله بعد از بررسی وضعیت سیاسی و گاه‌شماری سیاسی این سلسله، توصیفی از شرایط اجتماعی و روابط سیاسی - تجاری ادریسیان با دولت‌های همسایه ارائه می‌شود. به مسئله‌ی اساسی و

پرسش اصلی این مقاله یعنی چگونگی شکل‌گیری این دولت و مهم‌ترین عوامل موثر در آن می-
پردازیم.

۱. گاهشماری سیاسی دولت ادرسه

(۱) ادريس اول (اکبر) ۱۷۲ تا ۱۷۵

(۲) دوره ی نیابت ۱۷۵ تا ۱۸۷

(۳) ادريس دوم ۱۸۷ تا ۲۱۳

(۴) محمد بن ادريس دوم ۲۱۳ تا ۲۲۱

(۵) علی حیدره ۲۲۱

(۶) یحیی اول ۲۴۳

(۷) یحیی دوم ۲۴۹

(۸) علی دوم بن عمر ۲۵۲

(۹) یحیی سوم

(۱۰) یحیی چهارم بن ادريس ۲۹۹ تا ۳۰۷ که خلع شد

از ۳۰۵ به بعد مراکش خراج گذار فاطمیان شد و فاطمیان موسی بن ابی العافیه را به حکومت آن جا
گماشتند.

شرويش گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

(۱۱) حسن بن محمد (حجام) ۳۱۳ تا ۳۱۵

(۱۲) قاسم گنون ۳۲۶

(۱۳) احمد بن قاسم (ابوالعیش) در اصیلا ۳۳۷

(۱۴) حسن بن قاسم در حجر النصر ۳۴۳ تا ۳۷۵

(۱۵) الحاق مغرب به امپراتوری فاطمیان ۳۷۵

ادریس اول بعد از گریزش به سرزمین طنجه و در شهر ولیله و به روایتی در تاهرت اقامت گزید. وی قبایل مختلف را به سوی خود خواند. اسحاق بن محمد پیشوای بربرها به اطاعت او در آمد و همراه با او نیز قبایل بربر با آغوش باز ادریس را پذیرا شدند به تلمسان تاخت و آنجا را از نفوذ بنی یعرب خارج ساخت و با لقب امام، موجب هراس خلیفه‌ی عباسی شد. مرکز حکومت ادریس اول شهر ولیله یا تدعه بود. هارون الرشید با مشورت یحیی برمکی نیرنگی به ادریس زد و با فرستادن «شماخ یمانی» توانست او را زهر خوراند و از بین ببرد. (مقدسی، ۱۳۸۱، ج ۲: ۶۰۱-۹۵۶-۹۶۵؛ یعقوبی، ۱۳۸۲، ج ۲: ۴۰۷؛ ابن خلدون، ۱۳۸۵، ج ۱: ۴۲)

ادریس دوم در هنگام مرگ پدرش، در شکم مادر بود. عباسیان از این فرصت استفاده کرده، در مورد او و نسبش شبهه ایجاد کردند. ابتدا راشد غلام پدرش و سپس ابو خالد یزید بن الیاس کار مملکت را سامان دادند تا این که ادریس به سن بلوغ رسید. قبایل بزرگ با او بیعت کردند و دولت اداره در این دوره نضج گرفت. آل ادریس همواره بر اغلییان که از طرف عباسیان علیه آنان تحریک می شدند پیروز بودند. ادریس دوم شهر فاس را بنیاد نهاد، همین طور به جهاد با قبایل غیر مسلمان مشغول شد. (ذنون طه، ۲۰۰۴: ۹۹-۹۸) اداره‌ی مغرب، او و پدرش را امام می گفتند. (ابن خلدون، ۱۳۸۵، ج ۱: ۴۳۷) بعد از وی **محمد بن ادریس** با لقب المنتظر بر مسند حکومت نشست. وی قلمرواش را بین برادرانش تقسیم کرد. در همین دوره برادرش عیسی بر او شورید. اما **عمر**، برادر دیگر محمد نابسامانی عیسی را سامان بخشید. با مرگ محمد، فرزندش علی جانشین او شد.

علی بن محمد (۲۳۴-۲۲۱) روسای قبایل به نیابت او امور مملکت را سامان می دادند، تا او رشته‌ی کارها را بدست گرفت. دوره‌ی او بهترین دوره‌ی حکومت ادریسیان بود. بعد از وی **یحیی بن محمد** (۲۴۹-۲۳۴) بر سر کار آمد که توانست رونق فاس را حفظ کند. در این دوره سرزمین‌های تحت تسلط اداره، میزبان مهاجرین اندلسی و افریقیه‌ای بودند. با این وجود در دوره حاکم بعدی (**یحیی بن یحیی**) خوش گذرانی اوباعث زوال حکومت اداره شد. بعد از یحیی حکومت به شاخه‌ی عمر بن ادریس منتقل و دوره‌ی دوم حکومت ادریسیان آغاز شد. دوره دوم حکومت اداره، عموماً تحت سلطه‌ی حکومت‌های هم‌جوار به پایان رسید. و در چنین شرایطی وجه ایجابی و

فعالانه‌ی حکومت ادارسه تبدیل به یک انفعال سیاسی شد.

۲. روابط دولت ادارسه با دولت های مختلف

وجودی دولتی مستقل میان دو قلمرو اسلامی شرقی و غربی، منجر شد که ادریسان، نقش بسزایی در روابط سیاسی، فرهنگی و اقتصادی ایفا کنند. این روابط گاهی دوستانه و گاهی خصمانه بود. دو دولت خارجی بنومدار و بنورستم که اختلافات مذهبی با شیعیان داشتند، نسبت به ادریسان بد بین بودند. (ناصری، ۱۳۷۵: ۲۶۶) البته بیشتر این دشمنی‌ها به نوع روی کار آمدن ادریسیان ارتباط داشت. ادریس دوم با خوارج صفریه به شدت برخورد کرد. و عبدالله فرزندش نیز با برخی خوارج سجماسه روابط خصمانه‌ای داشت.

نوع رابطه ادریسیان با **امویان اندلس** خیلی متفاوت با رابطه‌ی آنان با خوارج نبود. آن‌ها مخالف سرسخت پادشاه اموی (حکم بن شام) بودند. (همان: ۲۶۷) اگر چه قرطبه و فاس مبادلات تجاری با هم داشتند، این مبادلات تجاری اما منجر نشد که عقاید خصمانه‌ی آن‌ها نسبت به هم تعدیل شود. و سرانجام حکومت ادریسیان توسط همین دولت ساقط شد. **اغلبیان** نیز به عنوان همسایگان دیوار به دیوار ادارسه، نه تنها روابط حسنه‌ای با آل ادریس نداشتند بلکه به توصیه‌ی دستگاه خلافت عباسی، حکومت ادریسیان را تحت فشار قرار می‌دادند.

فاطمیان سیاست به ضاً دوگانه‌ای را در قبال آل ادریس در پیش گرفتند. تا سرانجام شهر فاس پایتخت ادریسیان را خراج گذار خود کردند. اگر چه اغلبیان در مقابل امویان اندلس از ادریسیان حمایت‌هایی کردند اما مانعی برای فروپاشی حکومت ادریسیان نبودند. در سال (۳۰۵.ق) ادریسیان تحت سلطه‌ی فاطمیون قرار گرفتند و تا پایان کارشان در سال ۳۷۵.ق هرگز قدرت قبل را بازیافتند.

۳. چگونگی شکل‌گیری حکومت ادریسیان

آن چه این نوشتار در پی ایضاح آن است، پاسخ به مسئله‌ی فوق است. این که چگونه می‌شود که شخصی از حجاز به مصر و از آن جا به مغرب بیاید و بتواند حکومتی را تشکیل دهد که ۲۰۰ سال بقا پیدا کند.

۳-۱- علویان در جست و جوی حق پایمال شده

علویان که علی(ع) را جانشین بلکه امام بعد از پیامبر(ص) می دانستند. بعد از شهادت ایشان و صلح امام حسن(ع) شاهد حسین(ع) بودند. لوح شهادت حسین بن علی و اسامی حرکت ایشان، مجموعه جریان‌هایی را در تاریخ تشیع ایجاد کرد که تنها راه بازگشت حق اهل بیت را قیام و تشکیل حکومت می دانست. بعضی از شیعیان با نیت گوناگون، حلقه‌ی یک قیام را تشکیل داده و علیه حکومت جور می جنگیدند. قیام و جنبش‌های توابین، مختار، زید، یحیی و فخر از این دست می باشند. افراد مختلفی با نیت متفاوتی در این قیام‌ها شرکت می کردند. اما می توان مهم ترین دلیل این قیام‌ها را برپایی حکومتی علوی دانست. (یعقوبی، ۱۳۸۲، ج ۲: ۴۰۷) به این معنی که علویان، خواهان تشکیل حکومتی بودند که امام معصوم و یا نواده‌ای از فرزندان زهرا (س) در رأس آن باشد.

تشکیل حکومت ادریسی نیز از این زاویه قابل بررسی است. ادریس بن عبدالله که از معرکه‌ی فخر جان به در برده بود، توانست با لطایف الحیلی به کمک غلامش راشد، خود را به مصر برساند و از آنجا به مغرب برود و با دعوت از بربرهای این ناحیه، نیروی لازم برای قیام و تشکیل حکومت را فراهم کند. با عنایت به مطالب فوق، مهم ترین عامل در تشکیل حکومت آل ادریس، دغدغه‌ی علویان جهت برپایی حکومت حق برای امام معصوم و یا نواده‌ی اوست. ادریس مردم را به رضای آل محمد دعوت نمود. امام هشتم(ع) فرمود: «خدا رحمت کند ادریس بن ادریس را که او نجیب و شجاع خاندان پیامبر(ص) بود، بخدا سوگند همانند او در بین ما کسی نیامده است.» (قمی، بی تا: ۳۱۲، ذیل احوال فرزندان حسن) شیخ مفید نیز در رجالش او را از اصحاب امام صادق(ع) شمرده است. (رضوی اردکانی، ۱۳۷۵: ۲۵۲، نقل از تنقیح المقال، ذیل ادریس) چنین تأییدهایی حاکی از اصالت اقدام ادریس در نزد علویان بود.

ادریس‌رای تحقق رویایش، صرفاً به مبارزین و نیروی نظامی تکیه نکرد. بنابراین ابتدا دعوت خود را به سوی اسلام حقیقی، که همان اسلام اهل بیتش بود معطوف کرد تا از این رهگذر برای راه خود مرید جمع کند و به لحاظ معنوی قدرت خود را تحکیم بخشد. همان‌طوری که قبلاً هم بیان شد ادریس اول و ادریس دوم به امام مشهور بودند. (ابن خلدون، ۱۳۸۵، ج ۱: ۴۳۷)

۳-۲- بربرها به دنبال عزت ازدست رفته

دعوت ادریس درست زمانی به بربرها عرضه شد که با هم در ستیز بودند. در اثر این اختلاف اکثر بلاد افریقه و مغرب از سکنه [شهری] خالی شده بود. آنان از اسلام مذهب خارجی آن را پذیرفته بودند و در قالب فرقه‌های اباضیه و صفریه تقسیم می‌شدند. در سال ۱۷۱ه.ق **عبدالله بن رستم و روح بن حاتم** توانستند غرور بربرها را شکسته و بر آنها تسلط یابند. این ناحیه همچنین دچار تشتت فرهنگی بود، از مسیحیان و یهودیانوفنگه تا مشرکیه بن بت پرست در این نواحی زندگی می‌کردند. به طور کلی این ناحیه، از مرکز خلافت دور بود و به صورت چشم‌گیری از الزامات و فرهنگی که خلافت نشر می‌داد، فاصله داشت. (مقدسی، ۱۳۶۱، ج ۱، ۳۵۱-۳۱۰؛ اصطخری، ۱۳۴۷: ۴۹-۳۹؛ حدودالعالم من المشرق الی المغرب، ۴۵۷-۴۵۱؛ ابن خلدون، ۱۳۷۰، ج ۱: ۱۰۸) بنابراین وقتی دعوت ادریس صورت گرفت مخالفتی با او نشد. بلکه به دعوت وی لیبیک گفتن بربرها صرفاً عاشق ادریس و تعالیمش نبودند، بلکه در قیام او و برپایی حکومتش، عزت خود را نیز می‌دیدند. عزتی که سال‌ها توسط دستگاه خلافت پایمال شده بود.

نتیجه

با عنایت به مطالب فوق تشکیل حکومت آل ادریس از رهگذر دو عامل اصلی حاصل شد. اولین عامل تکاپوی علویان برای گرفتن حق اهل بیت (ع) بود. که توسط ادریس اول پی‌گیری شد و فرزند وی نیز در همین مسیر گام برداشت. ادریسیان دعوت خود را در جایی عملی کردند که از اسلام فقط نامی شنیده بودند. پس تعالیم ناب اسلامی توسط ادریس و مریدانش به بربرهای مغرب عرضه شد. دومین عامل نیز ریشه در محیط و شرایط وقت مغرب داشت. بربرهایی که از بی‌نظمی سیاسی و تشتت فرهنگی به ستوه آمده بودند. تنها راه بازیابی گذشته‌ی از دست رفته‌ی خود را در چنگ زدن به ریسمان تعالیم شیعی دیدند. بنابر این همراه ادریس شدند و در مجموعه نبردهای مختلف شهرهای مغرب را فتح کردند و دولتی تازه به نام ادریسیان را ایجاد کردند تا هم به اهداف مادی و هم نیات معنوی خود رسیده باشند.

کتابنامه

- ابن خلدون (۱۳۷۰)، تاریخ ابن خلدون، ج ۳ و ۵، ترجمه عبدالحمید آیتی، تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- _____ (۱۳۸۵)، مقدمه ابن خلدون، ترجمه محمد پروین گنابادی، تهران: انتشارات علمی فرهنگی.
- اصطخری (۱۳۴۷)، مسالک و الممالک، به کوشش ایرج افشار، تهران: بنگاه ترجمه و نشر.
- باسورث، ادموند کلیفورد (۱۳۸۱)، سلسله های اسلامی جدید، ترجمه فریدون بدره ای، تهران: مرکز باستان شناسی اسلام و ایران.
- حدود العالم من المشرق الی المغرب (۱۳۸۴)، به کوشش مریم میراحمدی، غلامرضا ورهام، تهران: دانشگاه الزهرا.
- دایره المعارف بزرگ اسلامی (۱۳۶۹)، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، تهران: بنیاد دایرت المعارف اسلام.
- ذنون طه، أ.د عبدالواحد (۲۰۰۴)، دراسات فی تاریخ و حضاره المغرب الاسلامی، بیروت: دارالمدار اسلامی.
- رضوی اردکانی، سید ابوالقاسم (۱۳۷۵)، ماهیت قیام شهید فخر، قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
- طبری، محمدبن جریر (۱۳۸۸)، تاریخ طبری، ج ۸، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: اساطیر.
- قمی، شیخ عباس (بی تا)، منتهی الآمال، تصحیح چند نفر از حوزه علمیه قم، تهران: کتابفروشی و چاپخانه ی محمدحسن علمی.
- لاپیدوس، ایرام (۱۳۸۱)، تاریخ جوامع اسلامی، ترجمه علی بختیاری زاده، تهران: انتشارات اطلاعات.

- مسعودی، ابوالحسن علی بن حسین (۱۳۷۰)، مروج الذهب، ج ۱، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: علمی فرهنگی.
- مقدسی مطهرین طاهر (۱۳۸۱)، آفرینش و تاریخ، ترجمه محمدرضا شفیعی کدکنی، تهران، آگاه.
- مقدسی، محمدابن احمد (۱۳۶۱)، احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم، به کوشش علینقی منزوی، تهران: شرکت مولفان و مترجمان.
- ناصری طاهری، عبدالله (۱۳۷۵)، مقدمه‌ای بر تاریخ مغرب اسلامی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد
- یعقوبی، ابن واضح (۱۳۸۲)، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ترجمه عبدالحمید آیتی، تهران: انتشارات علمی فرهنگی.

